

«ارنستو ویلگاس پولژاک»، وزیر فرهنگ ونزوئلا در گفت‌وگو با «ایران»:

دوستان در روزهای سخت، بهتر همدیگر را می‌شناسند

گفت و گو

فاطمه ترکشوند
<div>خبرنگار</div>

«دوستان در روزهای سخت، بهتر همدیگر را می‌شناسند» این سخن را «ارنستو ویلگاس پولژاک»، وزیر فرهنگ ونزوئلا که میهمان روز گذشته «ایران» بود، در توصیف تصویر ذهنی مردم کشورش از ایران برزبان آورد؛ تصویری که به تجربه مشترک دو کشور در نبرد بی‌امان با یکجانبه‌گرایی ایالات متحده گره خورده و آنها را به دو متحد استثنایی در این مبارزه تمام نشدنی تبدیل کرده است. بهانه سفر «ارنستو ویلگاس پولژاک» که خود روزگاری دست به قلم بوده و جنس رسانه را می‌شناسد، انتشار ترجمه کتابش تحت عنوان «آویل درون کودتا» در ایران است. اقدامی که به پیشنهاد و همکاری مؤسسه ایران در دستور کار قرار گرفت و خود زمینه‌ای را برای ورود تهران و «کاراکاس» به عرصه همکاری‌های بیشتر در زمینه فرهنگی مهیا کرد. «پولژاک» در گفت‌وگوی صمیمانه و مفصل خود با «ایران» بسیار آرام سخن گفت، سوآلات را با حوصله شنید و کوشید با حداقل کلمات به آن پاسخ دهد؛ تلاش هم کرد از رهگذر آن پاسخ، جز از دوستی و تعامل سخن نگوید؛ وقتی گفتیم «ایران و ونزوئلا پیوندهایی فراتر از دو کشور همیمان دارند» گفت: «ایران، شجاعانه به حفظ این دوستی کمک کرد.» او در این گفت‌وگو بخش مهمی از تاریخ ونزوئلا را روایت کرد و در عین حال از برنامه‌های بلندمدت حوزه تحت مسئولیتش برای تعمیق همکاری‌های فرهنگی با جمهوری اسلامی سخن گفت. با هم این مصاحبه را می‌خوانیم.

برای چندمین بار است به تهران سفر کرده‌اید؟

بار دوم است که در ایران حضور دارم. اولین بار در قالب سفر رسمی رئیس‌جمهور بولیواری ونزوئلا آقای نیکولاس مادورو بود که در هیأت ایشان در مقام معاون وزیر ارتباطات حضور داشتم.

دومین حضور شما در ایران مصادف شده است با برگزاری نمایشگاه کتاب تهران که رویداد فرهنگی بزرگی در کشور ما محسوب می‌شود. درباره تجربه حضورتان در این نمایشگاه بگویید.

قبل از هر چیز باید بگویم وقتی در محیط نمایشگاه قرار گرفتم از مشاهده این حجم از مشتاقان کتاب، تنوع کتب و انتشارات بسیار هیجان‌زده شدم. این رویداد دقیقاً مشابه همان رویدادی است که در نمایشگاه کتاب ونزوئلا اتفاق می‌افتد. نمایشگاه کتاب محفلی است که خیلی از کشورها می‌توانند در آن به‌گفت‌وگو بپردازند یا تبادل نظر داشته باشند.

قبل از اینکه به بررسی رابطه ایران و ونزوئلا در عرصه‌های مختلف از جمله سیاسی و فرهنگی بپردازیم، دوست دارم بیشتر درباره شما بدانم. گویا پیش از قرار گرفتن در مسئولیت وزارت فرهنگ در حوزه رسانه فعالیت داشته‌اید و کار خود را از آنجا شروع کرده‌اید.

بله، در اصل هم خبرنگار و هم روزنامه‌نگار هستم. قبلاً گزارشگر بودم و در روزنامه‌های مختلف، همچنین در حوزه رادیو و تلویزیون پروموتو موضوعات مرتبط با روزنامه‌نگاری فعالیت کرده‌ام. آقای هوگو چاوز در سال ۲۰۱۲ بعد از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، مرا فراخواندند و اعتماد کردند و پست وزارت ارتباطات را به من دادند که البته نمی‌دانستم این وضعیت به آخرین حضور در کابینه آقای چاوز و قبل از فوت ایشان تبدیل می‌شود. من آخرین وزیر ارتباطات ایشان بودم. بعدها که آقای مادورو به قدرت رسید و رئیس‌جمهور شد، برای همان پست وزارت به من اعتماد کردند. بعداً هم که به عنوان وزیر فرهنگ جمهوری بولیواری ونزوئلا منصوب شدم.

بنابراین با قرار گرفتن شما در مسئولیت وزارت فرهنگ همچنان امکان ادامه ارتباطتان با جریان‌های رسانه‌ای کشور حفظ شد. با توجه به وضعیت پرتلاطم سیاسی در ونزوئلا پیوزه در سال‌های اخیر به نظر می‌رسد با طیف گسترده‌ای از جریان‌های رسانه‌ای و رویکردهای متفاوت در روند تعامل با دولت حاکم روبه‌رو باشید. بعد از این رابطه صحبت بفرمایید.

ونزوئلا کشوری بسیار متنوع است. در حقیقت «تنوع» کلمه مناسبی برای توصیف ونزوئلا پیوزه در بحث فرهنگ است. در کشور ما به‌طور خاص تنوع گسترده‌ای در موضوع هنرهای مختلف دیده می‌شود و در درون مایه هر یک از این هنرها باز هم گستردگی و تنوع وجود دارد که مختص خودمان و بسیار هم زیاد است. به‌عنوان مثال صحبت درباره موسیقی را نمی‌توان تنها به یک موزیک و یک سبک موسیقی ختم کرد، زیرا بسیار گسترده است. این ویژگی برای دیگر نظام‌های هنری هم قابل تصور و رایج است. چیزی که منحصربه‌فرد و خاص به شمار می‌آید، هویت فرهنگی است که در کشور ما وجود دارد و به این هویت خود بسیار می‌بالیم. بعد از این هویت ونزوئلایی که به آن اشاره کردم، هویت وسیع‌تری وجود دارد و آن هویت امریکایی لاتینی است. ما احساس می‌کنیم فرزندان وطن بزرگ‌تری هستیم که نه فقط ونزوئلا، بلکه کشورهای زیادی را در این منطقه شامل می‌شود. یکی از مشخصه‌هایی که به آن می‌بالیم دو اسطوره این منطقه است؛ ما از سیمون بولیوار تأثیر می‌گیریم و بعدها در دوره معاصر هم از فرماننده هوگو چاوز، این افرا بزرگ، مردم را به وحدت در امریکای لاتین فراخواندند. این همان چیزی است که ما را تعریف می‌کند.

این تنوع در فضای اجتماعی و سیاسی ونزوئلا به فراخور تحولات سیاسی و اقتصادی و در روند تعامل با دولت آقای مادورو چطور دیده می‌شود؟



عکس: ابوالفضل نسایی / ایران

یک رهبر ملی بلکه به یک رهبر بین‌المللی تبدیل شد. بنابراین خیلی باعث افتخار ماست که ملت ایران با رهبری و درایت هوگو چاوز بیشتر آشنا شوند و ما بتوانیم این را به ملت ایران بشناسانیم و اقداماتی را هم در این روند در دستور کار داریم.

مانند انتشار و ترجمه کتاب «آویل درون کودتا» در نمایشگاه تهران؟

بله؛ یکی از تلاش‌هایی که بر این مطلب صحه می‌گذارم، کتابی است که در نمایشگاه بین‌المللی کتاب رومانی شد و من هم در آن حضور پیدا کردم. روی جلد تصویر آقای هوگو چاوز منتشر شد. چون این کتاب تحلیل و گزارشی است در مورد کودتایی که در سال ۲۰۰۲ اتفاق افتاد و بانیان این کودتا، قصد به زیر کشیدن چاوز از قدرت را داشتند. این کتابی که من نگارش کردم در جاهای مختلف دنیا از واشنگتن و بوئینس آیرس گرفته تا هاوانا و مونترال کانادا و شیلی رومانی شد. زمان زیادی گذشت تا گذر این کتاب به ایران بیفتد و ترجمه فارسی شود و باز هم باعث افتخار و مسرت بنده است که این کتاب توانست با کیفیت عالی به همت مؤسسه فرهنگی ایران ترجمه شود. این‌کار به افزایش علاقه‌مندی و شناخت شخصیت هوگو چاوز کمک می‌کند. امیدوارم خوانندین این کتاب بتوانند برای همه خوانندگان آن مفید واقع شود.

شما اشاره کرده‌اید که آقای چاوز به‌عنوان یک رهبر مردمی، مقبول طیف گسترده‌ای قرار گرفته است. ایشان هم ارتباط ویژه‌ای با کشور ایران داشت. چه ویژگی‌هایی ایشان را در این موقعیت قرار داد که حتی مردم پس از درگذشت ایشان همچنان به دولتی اقبال نشان دادند که بیرو تفرکات آقای چاوز باشد؟

ما شعاری در کشور ونزوئلا داریم که بسیار معروف است. این شعار این است که «چاوز زنده است و وطن به راه خود ادامه می‌دهد.» پس از درگذشت آقای هوگو چاوز، مسئولیت ادامه انقلاب به شخص آقای «نیکولاس مادورو موروس» سپرده شد. وقتی آقای «مادورو» رئیس‌جمهور شدند با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم کردند. انتظاراتی که پیشتر از آقای چاوز به‌عنوان یک رهبر بزرگ در مردم ایجاد شده بود و این امرادامه راه و رهبری انقلاب را برای «مادورو» سخت کرده بود. به شکلی که آقای رئیس‌جمهور مادورو در زمانی که رئیس‌جمهور شدند با توطئه‌ها و دسیسه و تهاجم‌ها و تحریم‌های متعددی روبه رو شدند، زیرا امپریالیسم از هیچ راهی دریغ نکرد تا از فقدان آقای چاوز استفاده کرده و به انقلاب بولیواری پایان دهد. ما قدرتان همه آن چیزی هستیم که به عنوان میراث از آقای چاوز به یادگار مانده است و مادورو توانست به تأسسی از این میراث ایشان، مشکلات و موانعی را که بر سرراه کار داشتند، بردارد. ایشان با همه مشکلات و سختی‌ها و پیچیدگی‌ها محکم ایستاد. یکی از بهترین قسمت آن این بود که روندی ایجاد شد که آقای مادورو توانست از روابط حسنه‌ای که چاوز در دوران خود باقی گذاشته بودند، علی‌الخصوص رابطه استراتژیکی که با جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده بود، استفاده نماید.

به‌خاطر همین قدردان دولت و ملت ایران بابت همه همبستگی‌ها و شجاعتی که از خود بروز دادند، هستیم و این مهربانی و همبستگی چیزی است که اگر آقای چاوز اکنون زنده بود، آن را حس می‌کرد. فقدان ایشان به خوبی حس می‌شود اما معتقدیم همچنان برای ما زنده هستند. در حقیقت ایشان در نبردی که در مسیر رسیدن به دنیای چندقطبی در جریان است، زنده هستند. چاوز زنده است و وطن به کار خود ادامه می‌دهد.

شما رابطه ایران و ونزوئلا را استراتژیک خواندید و اشاره کردید که این رابطه در دوره آقای «چاوز» عمیق‌تر شد. این در حالی است که بخش مهمی از رابطه ایران و ونزوئلا به تجربه مشترک دو کشور در مقابله با رویکرد یکجانبه‌گرایانه آمریکا و تحریم‌های ظالمانه این کشور بازمی‌گردد. این تجربه مشترک در مواجهه با تحریم‌ها را چگونه می‌بینید و فکر می‌کنید که چه میزان به نزدیک شدن دو کشور در دوران سخت کمک کرده است؟

گفته‌ای است که می‌گوید «دوستان در روزهای سخت بهتر همدیگر را می‌شناسند.» این اتفاق برای ونزوئلا و ایران رخ داد. در این مورد ایران، شجاعانه به حفظ این دوستی کمک کرد، یاری رسان بود و هرگز همکاری خود را با ونزوئلا قطع نکرد و باعث شد کشورمان موانع و مشکلات را که ماحصل بلوکه شدن‌ها و تحریم‌های ظالمانه و یکجانبه‌گرایانه بود، به کمک ایران از سر راه بردارد.

شما طعم تلخ کودتا را چشیده‌اید و مردم ایران هم در سال ۱۳۳۳ مورد تهدید واقع شدن استقلال خود را در یک کودتای امریکایی تجربه کردند. سابقه مبارزاتی هر دو ملت علیه امپریالیسم و جهان تک‌قطبی که امریکا به دنبال ایجاد آن است، جهان فکری و فرهنگی ایرانی‌ها و ونزوئلایی‌ها را به هم نزدیک می‌کند. با توجه به انتشار کتاب «آویل درون کودتا» در ایران و تبادل‌ات فرهنگی اخیر دو کشور در حوزه نشر، این مسأله را تا چه اندازه بستر نزدیکی و تقویت ارتباط فرهنگی دو کشور می‌دانید؟

من فکرمی‌کنم رابطه بین ایران و ونزوئلا یک نمونه است؛ دو کشور که هم از لحاظ جغرافیایی و هم از لحاظ فرهنگی، متفاوت هستند اما نزدیکی و همسانی بین‌قلب‌های هر دو ملت را هم باید به عنوان یک واقعیت در نظر گرفت. یک همدلی که ایستداری و استقامت را در مبارزه با امپریالیسم ایجاد کرده و لازم است که این همدلی از طریق گسترش روابط فی‌مابین دو کشور تقویت شود. روابط مهمی در زمینه‌های سیاسی، فناوری و سایر حوزه‌ها بین کشورهای اسلامی انجام دیم، ارتقای این رابطه به خصوص در حوزه‌های فرهنگی دو کشور است.

من به دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، تعدادی کتاب اهدا کردم. برای اینکه دانشجویان ایرانی بتوانند به منابع منتشرشده در ونزوئلا دسترسی پیدا کنند. علاوه بر این، رومانیایی از ترجمه کتاب من هم به شکل بسیار شگوهمندانه‌ای با مشارکت وزارت فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران برگزار شد. یک نمایشگاه فرهنگی بین ایران و ونزوئلا هم در ماه مارس در کاراکاس برگزار شد و الان من اینجا هستم و در نمایشگاه کتاب شرکت کرده‌ام و ابتکارعمل‌های بسیار بیشتری هم هست که می‌تواند به تعمیق روابط فرهنگی میان دو ملت کمک کند. مثلاً تبادل‌هایی که می‌توان در حوزه نشر داشت و یا در نظر گرفتن حق مؤلف شرایطی ایجاد کرد. کتاب‌هایشان را به زبان اسپانیایی ترجمه کنند و همین‌طور نویسندگان ونزوئلایی بتوانند کتاب‌هایشان را در ایران به فارسی منتشر کنند.

اسپانیایی است که با همکاری هر دوکشور تولید شود. ما همیشه محصولات سینمایی ایران را تحسین می‌کنیم و در کشور ما افراد زیادی هستند که می‌توانند به این مهم کمک کنند تا بتوانیم یک اثر سینمایی را به‌طور مشترک تولید کنیم. افراد بسیاری دوست دارند زبان اسپانیایی را فراگیرند و از ونزوئلا و فرهنگی آن بیشتر بدانند. ما همیشه محصولات سینمایی ایران را تحسین می‌کنیم و در کشور ما افراد زیادی هستند که می‌توانند به این مهم کمک کنند تا بتوانیم یک اثر سینمایی را به‌طور مشترک تولید کنیم. افراد بسیاری دوست دارند زبان اسپانیایی را فراگیرند و از ونزوئلا و فرهنگی آن بیشتر بدانند. ما همیشه محصولات سینمایی ایران را تحسین می‌کنیم و در کشور ما افراد زیادی هستند که می‌توانند به این مهم کمک کنند تا بتوانیم یک رابطه نمونه و الگو باشد چرا که ما به تنوع و تفاوت فرهنگی دو ملت احترام می‌گذاریم.

چیزی که

من شخصاً

به آن

علاقه مندم

یک محصول

سینمایی

است که

با همکاری

هر دوکشور

تولید شود.

ما همیشه

محصولات

سینمایی

ایران را

تحسین

می‌کنیم و

در کشورما

افراد زیادی

هستند که

می‌توانند

به این مهم

کمک کنند

که بتوانیم

یک اثر

سینمایی

را به‌طور

مشترک

تولید کنیم.

افراد بسیاری

دوست

دارند زبان

اسپانیایی

را فراگیرند

و از ونزوئلا

و فرهنگ

آن بیشتر

بدانند.

همین‌ها

می‌تواند

گسترش

روابط

فرهنگی

باشد

ونزوئلا به ایران نزدیک نمی‌شود تا بخواد تغییری در ایران ایجاد کند یا چیزی را به آن تحمیل کند و هویت آن را مورد تهدید قرار دهد. برعکس هم چنین اتفاقی نمی‌افتد و ایران هم نمی‌خواهد که ما ونزوئلایی‌ها از هویت‌مان فاصله بگیریم یا چیزی را در ما تغییر دهند. هر دو هویت و تنوع و تفاوت‌هایمان را به رسمیت می‌شناسیم. با وجود همه تفاوت‌ها، احترام بین دو کشور وجود دارد و در عین حال می‌توانیم با یکدیگر همکاری‌ها را تقویت کنیم. آینده بشريت در گرو همین است: «احترام به تفاوت‌ها». این تنوع به ما

کمک می‌کند تا قوی‌تر شویم. اما امپریالیسم می‌خواهد این تنوع و هویت‌های متفاوت را حذف کند و آن چیزی را که به عنوان یک جهان تک‌بعدی، مد نظر خودش است به همه ما تحمیل کند اما در اشتباه است. بدون احترام به این تنوع نمی‌توان آینده‌ای برای بشر ترسیم کرد. به‌خاطر همین هم رابطه‌ای که با ایران شروع کرده‌ایم، ضمانت‌بفای این احترام و این تنوع فرهنگی است. در آینده مورخان خواهند نوشت که چطور دو کشور در عین تفاوت‌ها و تنوعی که وجود دارد، توانستند تا این اندازه به هم نزدیک شوند و با هم همکاری داشته باشند و همیشه در سایه صلح و زندگی به این روابط پایدار ادامه دهند.

موسیقی امریکای لاتین در ایران شناخته‌شده و مورد علاقه بسیاری است و گروه‌های موسیقی آن را می‌شناسند و می‌نوازند. سینمای ایران هم در غرب و خصوصاً امریکای

لاتین، شناخته‌شده است و هواداران خودش را دارد. همچنین روز گذشته در جلسه رونمایی کتاب شما، امضای تقاهنامه فرهنگی میان دو کشور از سوی وزرای فرهنگ وعده داده شد. موسیقی و سینما چه بخشی از این تقاهم‌ها را به خود اختصاص خواهند داد؟ محورهای دیگر این تقاهنامه‌ها چه خواهد بود و چه زمانی را برای اجرایی شدن آن پیش‌بینی می‌کنید؟

من گلچینی از موسیقی ونزوئلایی را با عنوان «موسیقی برای زندگی» به همراه آورده‌ام و آن را خدمت وزیر فرهنگ ایران هم هدیه دادم. توفقنامه‌های دیپلماتیک بسیار مهم هستند. اما مهم‌تر از آن، اراده‌های سیاسی هستند که اجرای این تقاهنامه‌ها را تضمین می‌کنند. با آقای سفیر ونزوئلا در ایران صحبت‌های زیادی داشتم تا این همکاری‌ها در گرو روال اداری و بوروکراسی ونزوئلا قرار نگیرد. برایم بسیار جالب بود که با همکاری وزارت فرهنگ جمهوری اسلامی و همچنین مؤسسه فرهنگی ایران، موفق شدند با این سرعت کتاب بنده را به زبان فارسی ترجمه کنند. به همین سرعتی که ترجمه این کتاب اتفاق افتاد، باید کارمان را جلو ببریم. چون تغییر و تحولات در دنیا بسیار سریع است و در انتظار بوروکراسی و روال اداری نمی‌ماند. به همین خاطر می‌گویم اگر گرهی در کارمان وجود دارد، نباید وقت‌مان را برای آن تلف کنیم و باید مثل ضربه شمشیرآن گره را باز کنیم و به راه‌مان ادامه دهیم.

در ماه مارس آقای وزیر به همراه هیاتی در نمایشگاه فرهنگی کتاب مصوری را با تصاویر بسیار زیبا دیدم که برای گروه سنی کودکان و نوجوانان بود و درباره زندگی سردار سلیمانی نوشته شده بود. امیدوارم کتاب‌های این چینی را بتوانیم به اسپانیایی ترجمه کنیم و در ماه نوامبر در نمایشگاه کتاب کاراکاس از آنها رونمایی کنیم اما به‌گام‌های مشخص و مستحکم که نیازمند امضا و این دست قرار گرفتن در

روال‌های بوروکراتیک نباشند، نیاز داریم.